



نویسنده: شیخ محمد صالح منجد

ترجمه واختصار: أبوشاکرمسلم





شناخت کتاب:

نام کتاب :: ۳۳ اسباب برای خشوع در نماز

نویسنده :: شیخ محمد صالح منجد

ترجمه واختصار:: أبوشاکرمسلم

نوبت انتشار :: دوم

سال انتشار :: ۱۳۹۸

عن عمر بن الخطاب رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ : إنما الأعمال بالنيات وإنما لكل امرئ ما نوى فمن كانت هجرته إلى الله ورسوله فهجرته إلى الله ورسوله ومن كانت هجرته إلى دنيا يصيبها أو امرأة يتزوجها فهجرته إلى ما هاجر إليه .[جامع الاحاديث الصحيح].

رسول الله ﷺ میفرماید:

«أول شئ یرفع من هذه الامة الخشوع ، حتى لاترى فيهم خاشعا». [رواه ابن حبان].

« یعنی: اولین چیزی که از این امت برداشته میشود خشوع است ، حتی تا اینکه در بین ایشان خاشع را پیدا نمیتوانی».

عنوان   فهرست مطالب   صفحه

«۳۳» اسباب خشوع برای نماز ....(۶)

«۳۳» اسباب خشوع برای نماز..(۷)

اسباب خشوع درنماز:

سبب اول برای خشوع درنماز: «آمادگی برای نماز وخوش آمدگویی نماز»:

قال سعيد بن المسيب رحمه الله:« ما أذّن المؤذن منذ ثلاثين سنة، إلا وأنا في المسجد».

سعید بن مسیب رحمه الله می فرماید: در طول ۳۰ سال (زندگیم) همواره قبل از این که موذن اذان بگوید در مسجد (حاضر) بودم. [مصنف ابن أبي شيبة(۳۵۲۲)].

زمانی این سبب مهیا می شود که آنچه که مؤذن بگوید ودر جواب او کلمات یکه می گوید گفته شود. از ابوسعید رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : «إذا سمعتم النداء فقولوا مثل ما يقول المؤذن». [متفق عليه].

یعنی: «هرگاه اذان راشنیدید مثل آنچه که مؤذن می گوید، بگویید».

وبعد از اذان دعایی مشروع ومسنون « اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلاة القائمة ، آت محمدا الوسيلة والفضيلة وابعثه المقام المحمود الذي وعدته " » گفته شود. از جابر روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : «من قال حين يسمع النداء : اللهم رب هذه الدعوة التامة و الصلاة القائمة آت محمدا الوسيله و الفضيلة و ابعثه مقاما محمودا الذى وعدته، حلت له شفاعتى يوم القيامة».

یعنی: «هر کس پس از شنیدن اذان بگوید – اللهم رب هذه الدعوة التامة و الصلاة القائمة، آتِ محمداً الوسيلة و الفضيلة و ابعثه مقاماً محموداً الذى وعدته –

یعنی : الهی! ای پروردگار این دعوت کامل و نماز برپا شده، وسیله و فضیلت را به محمد عطا فرما و در روز قیامت او را به مقام محمود و ستوده‌ای که به او وعده داده‌ای مبعوث فرما – شفاعت من در روز قیامت شامل حال او می گردد». بخاری(٦١٤).

وسپس دعای یکه بین اذان وقامت است آنرا بخواند ، وضوء کامل بگیرد برای نماز ، وکارهای خویش را با «بسم الله» آغاز کند ، وبعد از وضوء دعای خاص وضوء««أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبده ورسوله) و (اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين).» را بخواند ، وخویش را عادت به مسواک کردن دهد ، زیرا به واسطه آن دهن پاک می گردد وخواندن قرآن ونماز با دهن پاک لذت خاصی دارد ، چنانکه پیامبر ﷺ میفرماید:«پاک کنید دهن تانرا برای خواندن قرآنکریم[السلسلة الصحيحة(١٢١٣)]» ، وپوشیدن لباس زینتی ، پاک ونظیف چنانکه الله ﷻ میفرماید: ﴿ يَا بَنِي آدَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ ﴾ اعراف:٢١ (ای فرزند آدم! در هر نماز خود را بپوشانید وبیارایید) والله ﷻ لایق است نسبت به همه که برای آن زیب وزینت شود ، وهمچنان پوشانیدن عورت وپاکی بدن وانتظار کشیدن نماز وبرابر نمودن صف وخالی نگذاشتن صفوف ؛ زیرا شیطان در صف نا تکمیل خلل می کند.

❁عامر بن عبدالله بن زبیر در بستر مرگ، نفس‌های آخر را می‌کشید و خانواده‌اش دور و بر او در حال گریستن بودند.....

در حال جان دادن ، صدای مؤذن را شنید که برای نماز مغرب اذان می‌گفت.

در حالی که نفس‌هایش به سختی بیرون می‌آمد و به سختی جان می‌داد.

هنگامی که صدای مؤذن را شنید به کسانی که اطرافش بودند گفت: دستم را بگیرید!

گفتند: به کجا می‌روی؟

گفت: به مسجد

گفتند: با این حال؟

گفت: سبحان الله! صدای منادیِ نماز را بشنوم و او را اجابت نکنم؟ دستم را بگیرید.... دو مرد از دو سوی او را به مسجد بردند... یک رکعت را همراه با امام به جای آورد و در سجده جان داد...

سبب دوم برای خشوع در نماز: «آرامش وسکون درنماز»:

«بود پیامبر ﷺ که درصف خوب مطمئن ایستاد می شد حتی تا اینکه هر استخوانش در جای خود قرار می گرفت[الفتح۲/۸۳]».

و پیامبر ﷺ میفرماید:«بد ترین دزد ، دزد نماز است ، اصحاب گفتند: در نماز چگونه دزدی می کند؟! پیامبر ﷺ فرمود: تمام نمی کند رکوع وسجده خود را[صحیح الجامع(۹۷۷)]».

ونیز پیامبر ﷺ میفرماید:«کسیکه رکوع خود را تمام نمی کند ودرسجده نول می زند(مثل نول زدن مرغ) همانند شخصی گرسنه ای است که میخورد یک خرما ویا دو خرما را حال آنکه از آن بهره ئی نمی گیرد[رواه الطبرانی۴/۱۱۵].».

وعن أبي بكرة أنه انتهى إلى النبي ﷺ وهو راكع فركع قبل أن يصل إلى الصف ثم مشى إلى الصف . فذكر ذلك للنبي ﷺ فقال : " زادك الله حرصا ولا تعد" [رواه البخاري].

یعنی: أبوبکرة خود را در نماز نزد رسول الله ﷺ رسانید ورسول الله ﷺ درحال رکوع بود. پس رکوع کرد (أبوبکره) پیش از اینکه خود را به صف برساند ، سپس به صف رفت ، این واقعه را برای رسول الله ﷺ بازگو کرد و رسول الله ﷺ فرمود: الله حرص وشوق تو را زیاد کند. اما بار دیگر این عمل را انجام نده.

پیامبر ﷺ میفرماید: یک مرد شصت سال نماز می خواند ؛ اما نمازش قبول نمی شود ؛ این بخاطری است که شاید رکوع اش را تمام کرده ولی سجده اش را تمام نکرده ؛ یا اینکه سجده اش را تمام کرده لیکن رکوع اش را تمام نکرده.[سلسله الصحیحه للالبانی].

- ابن زبیر هنگامیکه در نماز ایستاد می شد. از عجز وسکون زیاد در نماز ، فکر میکردی که او چوپ است .
- معاذ بن جبل می گوید: از روزی مسلمان شدم تا حالا ندانستم که چه کسی در پهلویم در نماز ایستاده شده است.
- سعید بن المسیب می گوید: بیست سال است که مسلمان هستم ؛ اما وقتیکه در نماز جماعت ایستاد می شوم نمیدانم چه کسی در پهلویم آمد ونماز همرایم ادا میکند.[سیرة صوتی شیخ سر دارولی.]

«۳۳» اسباب خشوع برای نماز ....(۱۲)

سبب سوم برای خشوع در نماز: **«یاد مرگ در نماز»:**

رسول الله ﷺ می فرماید:«یاد کنید مرگ را در نماز خویش زیرا شخص یکه در نماز مرگ را یاد می کند ؛ مناسب است که نمازش نیک شود ومی خواند شخص نمازی را که گمان میکند که غیر از این دیگر نماز نمی خواند [السلسلة الصحیحة ۱٤۲۱]».

رسول الله ﷺ به ابوایوب وصیت کرد که:«وقتیکه می خواستی نماز بخوانی پس بخوان نماز یکه با آن وداع می کنی(یعنی آخرین نماز که می خوانی)[مسند احمد٥/٤۱۲]».

امام احمد روایت می کند که:«مَا قَرَأَ عبدالله بن عمر بن الخطاب رضي الله عنهما هَاتَيْنِ الآيَتَيْنِ قَطُّ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ إِلاَّ بَكَى ﴿وإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ﴾ إِلَى آخِرِ الآيَةِ ثُمَّ يَقُولُ: إِنَّ هَذَا لإِحْصَاءٌ شَدِيدٌ»[الزهد للإمام أحمد ۱۰۷۸] .

یعنی: هر زمان که ، عبدالله بن عمر رضي الله عنهما این دو آیه آخر سوره بقره را تلاوت مي نمود: ﴿وإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ إِلَى آخِرِ الآيَةِ﴾ (اگر چیزی را شما آشکار کنید یا پنهان...) گریه مي کرد و می گفت بدرستی در آن حساب کتابِ سختی است .

صحابی می گوید: در غزوه بدر وقتی نیمه‌شب آمد، نم‌نم باران شروع شد، ما به درخت‌ها و سپرهای‌مان پناه بردیم، لحظاتی بعد، هر که با ما بود خوابش بُرد مگر

رسـول الله ﷺ! [تنهـا] زیـر درخـتی ایسـتاده بـود و تـا صـبح نمـاز میخوانـد و مـی گریست[الجامع الصحيح للسنن: ۴۲۱/۱۴].

عمـر رضـی الله عنـه در نمـاز صبح اغلـب سـوره‌های کهـف، طـه و دیگـر سـوره‌های بزرگ را می‌خواند و گریه می کرد، به طوری که تا چندین صف صدای گریه ایشان به گوش می‌رسید. یک بار در نماز صبح سوره یوسف را می‌خواند، وقتی به این آیه رسید: ﴿قَالَ إِنَّمَا أَشۡكُواْ بَثِّي وَحُزۡنِيٓ إِلَى ٱللَّهِ وَأَعۡلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٨٦﴾ [یوسف: ٨٦] «گفت: از غـم و انـدوهم تنهـا بـه پروردگـار شـکایت می‌بـرم و از سوی پروردگار چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید».

چنان گریه کرد که صدای ایشان در سینه حبس شد. در نماز تهجد گاهی به قدری گریه می کرد که بیهوش می‌شد و بر زمین می‌افتاد. این است حال آن شخصی که از شنیدن نام وی، لرزه بر اندام پادشاهان و فرمانروایان بزرگ جهان می‌افتاد. امروز نیز بعد از حدود چهارده قرن شوکت و عظمت ایشان بر سر زبان‌ها جاری است. امروز هیچ حاکم و پادشاهی نیست که با یک فرد معمولی از رعایای خود اینگونه رفتار و برخورد کند

پس برادر عزیزم: وقتیکه در نماز ایستاده می شوی فکر کن که بعد از تمام این نماز مرگ به سراغت می آید واز دنیا می روی واین آخرین نماز ات میباشد.

عِصام از حاتَم زاهد بلخی رحمه الله پرسید تو چگونه نماز میخوانی؟

فرمود: وقت نماز که میرسد با اطمینان کامل وضو میگیرم و سپس به جای میروم که در آنجا نماز خوانده میشود و طوری می ایستم که گویا کعبه روبروی من است و پاهای من بر پل صراط قرار دارند، سمت راستم بهشت و سمت چپم جهنم است و بالای سرم فرشته موت قرار دارد و چنین تصور میکنم که این آخرین نماز در زندگی من است و شاید بار دیگر نماز خواندن برایم میسّر نشود و حالت قلبم را فقط الله جل جلاله میداند و بس. و سپس با کمال عاجزی "الله اکبر" میگویم و بعد از آن قرآن میخوانم و همراه با تفکر در معانی آن.

بعد از آن با تواضع و فروتنی رکوع میکنم و با عاجزی سجده و با اطمینان کامل ،طوری نماز را به اتمام میرسانم که با توجه به رحمت الله ﷻ قبولیت آنرا امیدوار هستم و با توجه به اعمال خودم از قبول نشدنش میترسم!.

عِصام پرسید چند مدت است اینگونه نماز میخوانی؟

حاتم جواب داد: سی سال است. آنگاه عصام به گریه در آمد و گفت: مرا یک نماز هم با این کیفیت نصیب نشده است!.

سبب چهارم برای خشوع در نماز: «تدبر در آیات یکه در نماز خوانده می شود وتدبر در اذکار مسنونه در نماز»:

قرآن کریم برای تدبر نازل شده است ﴿ كتاب أنزلناه إليك مبارك ليدّبروا آياته وليذكّر أولوا الألباب ﴾ (کتابی است پر برکت که آنرا بر تو نازل کردیم ، تادر آیاتش تدبر کنند وخردمندان پند گیرند).

وتدبر حاصل نمی شود مگر به علم وتعلیم علم.

ابن جریرطبری می گوید:«من تعجب می کنم از آن اشخاص یکه قرآن را می خوانند ولیکن تفسیر ومفهوم آنرا نمی دانند پس چگونه بدون علم وتدبر از نماز خویش میتوان لذت برد؟!» [تفسیر طبری۱/۱۰].

رسول الله ﷺ قرآن را با تدبر می خواند. ابن خزیمه روایت می کند که:« رسول الله ﷺ به نماز ایستاد شد یک شب تکرار می خواند آیه۞ إن تعذبهم فإنهم عبادك وإن تغفر لهم فإنك أنت العزيز الحكيم ۞ (اگر آنان را عذاب کنی آنان بندگان تو هستند ، واگر آنان را بیامرزی ، تو نیرومند حکیمی هستی) تاکه نماز را تمام نمود[صحیح ابن خزیمه۱/۲۷۱] ».

صحابی جلیل القدر قتاده بن نعمان رضی الله عنه نماز شب را فقط با سوره۞قل هو الله احد۞ میخواند ، وهمیشه این سوره را (باتدبر) تکرار می خواند[مسند احمد۳/٤۳].

عزیزان گرامی! هرگاه در نماز آیه عذاب یا آیه رحمت یا آیه سؤال بیاید باید توقف کنی ودر آیه عذاب پناه بخواهی ودر آیه رحمت آنرا طلب کنی ودر آیه سؤال از الله آنرا سوال کنی .

حذیفه رضی الله عنه میفرماید:« إذا مر بآية فيها تسبيح سبح وإذا مر بسؤال سأل وإذا مر بتعوذ تعوذ »(صحیح مسلم).

یعنی: زمانیکه رسول الله ﷺ به آیه تسبیح میرسید سبحان الله میگفت وزمانیکه به آیه سوال میرسید از الله سوال مینمود وزمانیکه به آیه عذاب میرسید از آن پناه میخواست.

ودر ترمذی ونسائی چنین روایت شده است که:«اذا مر بآیة عذاب وقف وتعوذ».
یعنی: زمانیکه رسول الله ﷺ به آیه عذاب میرسید توقف مینمود واز آن پناه میخواست.

أبوداود در شماره حدیث(۸۷۳) آورده که:« عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ الأَشْجَعِيِّ قَالَ قُمْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَيْلَةً فَقَامَ فَقَرَأَ سُورَةَ الْبَقَرَةِ لاَ يَمُرُّ بِآيَةِ رَحْمَةٍ إِلاَّ وَقَفَ فَسَأَلَ وَلاَ يَمُرُّ بِآيَةِ عَذَابٍ إِلاَّ وَقَفَ فَتَعَوَّذَ».

یعنی: عوف بن مالک می گوید: ایستاد شدم همرای رسول الله ﷺ در شبی از شبها برای ادای نماز ، پس سوره بقره را تلاوت نمود. زمانیکه برآیه عذاب آیه وآیه رحمت میرسید توقف می نمود(در آیه عذاب از الله پناه می خواست ودر آیه رحمت آنرا از الله طلب می کرد).

شیخ محمد صالح منجد فک الله اسره میفرماید: وهذا یدل علی مشروعیة الوقوف عند آیة العذاب والتعوذ.

امام نووی رحمه الله گفته است که امام شافعی فرموده: سنت است برای تلاوت کننده قرآن در نماز وخارج از نماز که در اثنای تلاوت آیه عذاب ، رحمت وسؤال توقف کند واز الله پناه یا سؤال یا طلب نماید وهمچنین این توقف برای امام ومقتدی ودر نمازفرض وسنت نیز است.(المجموع).

پس قرآن را با تدبر بخوان وبا فهم ومعانی آن تلاوت کن تا خشوعت زیاد گردد.

سبب پنجم برای خشوع درنماز: «قطع ، قطع(آیه ، آیه) خواندن آیات (نه تیز خواندن آیات»:

قطع قطع خواندن آیات در نماز ویا حرف حرف خواندن آن در نماز کمک می کند برای فهم وتدبر نماز ، واین سنت رسول الله ﷺ است.

وقفه آوردن در سر هر آیت سنت رسول الله ﷺ است اگرچه معنایش در آیات دیگر تکمیل شود.

وعن ام سلمة قالت: كان رسول الله ﷺ يقطع قرائته يقول:«الحمدلله رب العالمين» ثم يقف «الرحمن الرحيم» ثم يقف...[سنن ترمذی وجامع الاحاديث الصحيح].

ام سلمه رضی الله عنها میفرماید:«بود رسول الله ﷺ که قطع قطع وآیه آیه قرائت می نمود مثلا میگفت: «الحمدلله رب العالمين» باز(اندکی وقفه وسکوت می نمود) باز میگفت:«الرحمن الرحيم»باز(اندکی وقفه وسکوت می نمود)».

شیخ آلبانی می گوید: واین سنت(فراموش) شده ای است که اکثریت قاریان وحافظان فراموش نموده اند.

سبب ششم برای خشوع درنماز: «به ترتیب وترتیل خواندن قرآنکریم وزیبا ساختن صدا»:

بود قرائت رسول الله ﷺ جدا جدا وحرف حرف[مسند احمد٦/٢٩٤].

وبود رسول الله ﷺ که می خواند سوره ای را در نماز وآنرا به ترتیب وترتیل می خواند حتی اینکه سوره های کوتاه به خواندن ترتیلی رسول الله ﷺ طولانی معلوم می شد.

وبه ترتیب وترتیل خواندن چنانکه نماز دارای خشوع می شود ؛ همچنان زیبایی وخوش آوازی در نماز نیز سبب خشوع می شود ، طوریکه رسول الله ﷺ می فرماید:«زیبا سازید قرآن را به صدای تان ، زیرا با صدای زیبا قرآن زیاد زیبا تر می شود[صحیح الجامع]».

البته زیبا ساختن صدا مثل فاسقان نباشد ، بلکه صدای زیبا سبب شود که در نماز خشوع پیدا شود ، ودر غیر از آن صدایی زیبائی در کارنیست.

سبب هفتم برای خشوع در نماز: «طوری نماز ادا گردد که الله این نماز را از او قبول می کند»:

رسول الله ﷺ میفرماید که الله ﷻ فرمود:«تقسیم نموده ام نماز را بین خود وبین بنده ام دو حصه(نصف) ، و است برای بنده ام آنچه که سوال میکند ، وقتیکه می گوید: ﴿الحمدلله رب العالمین﴾ الله ﷻ می گوید: مرا بنده ام ستود ، وقتیکه می گوید: ﴿الرحمن الرحیم﴾ الله ﷻ می گوید: بنده ام برایم ثنا وصفت فرستاد ، وقتی که می گوید: ﴿مالک یوم الدین﴾ الله ﷻ می گوید: مرا بنده ام تمجید کرد ، وقتیکه می گوید: ﴿ إیاك نعبد وإیاك نستعین﴾ الله ﷻ می گوید:

اینست رابطه ای من وبنده ام ، است برای بنده ام آنچه که می خواهد ، وقتیکه می گوید: ﴿ إهدنا الصراط المستقيم ﴾ الله ﷻ می گوید: اینست رابطه ای من وبنده ام ، است برای بنده ام آنچه که می خواهد ، وقتیکه می گوید: ﴿ صراط الذين أنعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين﴾ الله ﷻ می گوید: اینست رابطه ای من وبنده ام ، است برای بنده ام آنچه که می خواهد.»[صحيح مسلم كتاب الصلاة.]

ونیز رسول الله ﷺ می فرماید:«یکی از شما وقتیکه نماز می خواند تحقیق با الله مناجات(راز ونیاز) می کند ، پس بنگرد که چگونه با الله ﷻ مناجات (راز ونیاز) می کند» [مستدرک حاکم ۱/۲۳۶].

♦ ونیز سلف صالح بودند که «هنگامیکه نماز می خواندند رنگ شان تغیر می کرد ، وقتیکه از ایشان پرسیده می شد چرا در نماز رنگ تان تغیر میکند؟! می گفتند: در مقابل الله ایستاد می شویم نه در مقابل بندگانش».

♦ روزی امام بخاری رحمه الله را در نماز بار بار گژدم می گزد ، از او پرسیدند چرا نماز را ترک نکردی؟! گفت: سوره ی طولانی را شروع کرده بودم ونخواستم آنرا قطع کنم.

سبب هشتم برای خشوع درنماز: «خواندن نماز قریب ونزدیک ستره(ستره نهادن)»:

یکی از موارد یکه درنماز شخص خشوع را می آورد ؛ گذاشتن ستره است ، زیرا ایستاده شدن نزدیک ستره چشم های نماز گزار را کوتاه می سازد واز شر شیطان محفوظ می دارد ، ودور می باشد از رفت وآمد مردم.

رسول الله ﷺ میفرماید:«وقتیکه یکی از شما نماز می خواند پس بخواند پیش روی ستره ، وستره را نزدیک خویش قرار دهد[صحیح الجامع]».

ونیز رسول الله ﷺ میفرماید:«شیطان قطع نمی کند نماز ستره گار را».

وفاصله ستره تا نماز گزار سه زراع باشد.

سبب نهم برای خشوع درنماز: «نهادن دست راست بالای چپ در سینه»:

رسول الله ﷺ وقتیکه به نماز ایستاد می شد می نهاد دست راست خود را بالای دست چپ خود [صحیح مسلم(٤٠١)] وبود رسول الله ﷺ انرا بالای سینه ای خود می گذاشت [الارواء٢/٧١].

از امام احمد رحمه الله سوال شد که چرا دست راست را بالای دست چپ می گذارند؟! امام رحمه الله فرمود:«ذلت وخواری انسان است پیش روی پروردگار وسبب وخشوع در نماز میباشد»[ابن رجب٢٢].

امام ابن حجر عسقلانی می گوید:علماء گفته اند که:«حکمت در گذاشتن دست راست بالای چپ و نهادن آن بالای سینه اینست که نشان می دهد (اوبنده ای) سوال کننده ای ذلیل وخوار نزد الله میباشد ونزدیک میباشد به خشوع» [فتح الباری ۲/۲۲٤].

سبب دهم برای خشوع در نماز: «نظر کردن به جای سجده»:

از عائشه رضی الله عنها روایت است که «رسول الله ﷺ نماز خواند ، پایین می کرد سر خویش را ، ومی انداخت چشم خویش را بطرف زمین[مستدرک].

وقتیکه رسول الله ﷺ داخل کعبه شد دور نکرد چشم های خود را از سجده اش تا اینکه از آن خارج نگردید.[الارواء ۲/۷۳].

سبب یازدهم برای خشوع در نماز: «حرکت دادن انگشت سبابه در نماز»:

متأسفانه این عمل را که اکثر مردم برای آن اهمیت قائل نیستند واین در حقیقت سر چشمه ای جهالت ایشان است درحالیکه اشاره به انگشت ، برای خشوع در نماز مهم است رسول الله ﷺ میفرماید: «لهی أشدّ على الشّيطان من الحديد. یعنی: السبّابة» [روایت احمد و بزار].

یعنی: این اشاره با انگشت، بر شیطان، از آهن، کارآمدتر است.

فوائد اشاره بالسبابه:

۱- رسول الله ﷺ میفرماید : (لهی أشد على الشيطان من الحديد) [صحیح - روایت احمد].

یعنی : حرکت دادن انگشت سبّابه (شهاده) دست راست هنگام تشهد نماز، برای شیطان شدیدتر از ضربه زدن آهن به او میباشد.

۲- از أبن عباس پرسیدند درباره کسی که دعا میکند وانگشت خود را بلند میکند؟! گفت: نشانه ای اخلاص(او) است.[فقه السنه].

۳- أنس بن مالک می گوید: نشانه ای تضرع وزاری است.

٤- امام مجاهد می گوید: آن مرگ شیطان وخنثی ساختن وسوسه شیطان است[فقه السنه].

٥- عمل به سنت های نبی کریم ﷺ است.

٦- به غصه آوردن اهل بدعت است.

٧- اصحاب رسول الله ﷺ به همدیگر وصیت وتشویق می نمودند به اشاره بالسبابه.

سبب دوازدهم برای خشوع درنماز: «تلاوت مختلف سوره های قرآن در نماز وخواندن اذکار ودعاهای مختلف در نماز»:

تلاوت های متفاوت از سوره های قرآن وخواندن هر سوره در هر رکعت قرآن از جاهای مختلف قرآنکریم سبب خشوع در نماز می شود ، زیرا با خواندن آیات متفاوت ومختلف قرآن سبب میشود مضامین جدید از قرآن بیاموزیم.

ونیز خواندن از هر جای قرآن کریم سنت رسول الله ﷺ می باشد وتکمیل کننده خشوع می باشد.

سبب سیزدهم برای خشوع درنماز: «سجده ای تلاوت قرآن کریم»:

از آداب تلاوت قرآن کریم اینست که زمانیکه آیات سجده تلاوت می شود باید سجده ای تلاوت انجام گیرد چنانکه الله ﷻ میفرماید: ﴿إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَن خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾ (چون آیات الله بر آنها تلاوت می شد سجده کنان وگریان به (خاک) می افتادند).

سجده ی تلاوت در نماز از اموریست که خشوع را در نماز زیاد می کند.

از ابی رافع روایت است که میفرماید:«خواندم همرای ابوهریره نماز خفتن را ، وقتیکه خواند ﴿اذا السماء النشقت﴾ سپس سجده نمود ؛ برایش گفتم چرا این کار را کردی؟! ابوهریره گفت:«خواندم پشت ابوالقاسم ﷺ چنین نمازی را (وآن چنین کرد)، پس من همیشه این کار را انجام خواهم داد تا اینکه با آن ملاقات نمایم»[صحیح البخاری]».

در حدیث می آیدکه وقتیکه پسر آدم آیه سجده را می خواند وسپس سجده می کند شیطان از آن دور می شود وگریه می کند ومی گوید: ای افسوس! الله آدم را به سجده امر نمود وسجده کرد برای آن جنت است ، ومن را به سجده امر نمود ونافرمانی کردم پس برایم جهنم است.[صحیح مسلم(۱۳۳)].

سبب چهاردهم برای خشوع درنماز: **«پناه خواستن از شر شیطان درنماز»:**

شیطان دشمن ماست ، واز دشمنی آن وسوسه در نماز است ، تاکه خشوع نماز گزار را از بین ببرد ونماز را بالای آن خلط کند.

امام احمد رَحِمَهُ اللَّهُ در «مسند أحمد» با سند صحیح روایت کرده است که عثمان بن ابی العاص رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفت:[ای رسول الله، شیطان بین من و نماز و قرائتم مانع می‌شود. رسول الله ﷺ فرمود:« ذَاکَ شَيْطَانٌ يُقَالُ لَهُ خَنْزَبٌ فَإِذَا أَحْسَسْتَهُ فَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْهُ وَاتْفِلْ عَلَى يَسَارِکَ ثَلَاثًا».

یعنی: این شیطانی است که او را خنزب می گویند: وقتی حضورش را حس کردی، از او به خدا پناه ببر و سه مرتبه در سمت چپ خود آب دهان بیانداز. عثمان می گوید: این کار را انجام دادم و خداوند او را از من دور کرد. احمد (٤/٢١٦) مسلم (٢٢٠٣)

در مورد وسوسه از رسول الله ﷺ سؤال شد. در صحیح مسلم به روایت ابوهریره رضی الله عنه آمده است:« جَاءَ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ فَسَأَلُوهُ إِنَّا نَجِدُ فِي أَنْفُسِنَا مَا يَتَعَاظَمُ أَحَدُنَا أَنْ يَتَكَلَّمَ بِهِ، قَالَ: وَقَدْ وَجَدْتُمُوهُ؟ قَالُوا: نَعَمْ، قَالَ: ذَاکَ صَرِيحُ الْإِيمَانِ».

یعنی:«گروهی از مردم، از یاران پیامبر ﷺ نزد ایشان آمدند و پرسیدند، ما در وجود خودمان (افکاری) را می یابیم که گفتن آن بر ما دشوار است. پیامبر

ﷺ فرمودند: آیا شما آن را یافته و احساس کرده اید؟گفتند:بله پیامبر ﷺ فرمود: این صریح ایمان است .

بنابراین همانطور که در این حدیث آمده، صحابه نیز دچار وسوسه شده اند — پس اگر آنها دچار وسوسه شوند،ما چرا دچار نشویم!- ولی پیامبر ﷺ نه تنها آنرا زشت ندانستند بلکه از آن بعنوان " ایمان" نام می برند .

یعنی شیطان به سوی ایمانداران می رود و سعی می کند که آنها را با وسوسه منحرف کند. ولی این باعث نگرانی نیست زیرا شیطان جز وسوسه انداختن در دل شخص کاری نمی تواند کند : از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده که گفت: شخصی نزد رسول الله ﷺ آمد و گفت:« يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ أَحَدَنَا يَجِدُ فِي نَفْسِهِ- يُعَرِّضُ بِالشَّيْءِ- لَأَنْ يَكُونَ حُمَمَةً أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِهِ؛ فَقَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى رَدَّ كَيْدَهُ إِلَى الْوَسْوَسَةِ»

یعنی:«ای رسول الله! یکی از ما در وجود و روان خود، مطلب و موردی را احساس می کند که اگر وجودش سوخته و خاکستر شود، بهتر است از این که آن را بر زبان بیاورد، پیامبر ﷺ فرمودند: الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر، سپاس پروردگاری راست که مکر شیطان را در حد وسوسه رد نمود(وکاهش داد).

ولی راه حل علاج چیست تا از این وسوسه ها رهایی یابیم :

۱- از ادامه ی این افکار باز بیاید. چون تا زمانیکه آن وسوسه ها بر زبان جاری نشده است، ضرری به دینتان نمی رساند. زیرا تلفظ آن وسوسه ها کفر است و نباید بر زبان جاری کرد هر چند در قلب باشد چنانکه پیامبر ﷺ می فرمایند :أَنَّ

النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَجَاوَزَ لأُمَّتِي عَمَّا وَسْوَسَتْ أَوْ حَدَّثَتْ بِهِ أَنْفُسَهَا، مَا لَمْ تَعْمَلْ بِهِ أَوْ تَكَلَّمْ». (بخاری:٦٦٦٤)

یعنی: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که نبی اکرم ﷺ فرمود: «الله از وسوسه های امتم و آنچه که در دلهایشان می گذرد تا زمانی که آنها را عملی نکرده اند و یا به زبان نیاورده اند، صرف نظر نموده است».

۲- موقع وسوسه بگوید: «آمنت بالله». بنا به روایتی دیگر بگوید: «آمنت بالله و رسله» زیرا در حدیث آمده که :از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند:« لَا يَزَالُ النَّاسُ يَتَسَاءَلُونَ حَتَّى يُقَالَ: هَذَا خَلَقَ اللَّهُ الْخَلْقَ، فَمَنْ خَلَقَ اللَّهَ؟ فَمَنْ وَجَدَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا فَلْيَقُلْ: آمَنْتُ بِاللَّهِ» مسلم(١٣٤)

یعنی:«همواره از مردم سؤال می کنند تا جایي که گفته می شود: الله تعالی مخلوقات را آفریده است، پس چه کسی الله را آفریده است؟ هر کس از شما چنین موردی را یافت، بگوید: (آمنت بالله) به الله ایمان آوردم..

و نیز از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْتِي أَحَدَكُمْ فَيَقُولُ: مَنْ خَلَقَ الْأَرْضَ ؟ فَيَقُولُ: اللَّهُ، فَيَقُولُ: مَنْ خَلَقَ اللَّهَ؟ فَإِذَا أَحَسَّ أَحَدُكُمْ بِشَيْءٍ مِنْ هَذَا فَلْيَقُلْ: آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِرُسُلِه» مسلم (١٣٤١) و احمد (٣٣١/٢) ، (٢١٤/٥).

یعنی: شیطان نزد یکی از شما می آید و می گوید: چه کسی زمین را آفریده است؟ می گوید: الله. سپس می گوید: چه کسی الله را آفریده است؟ چون یکی

از شما متوجه چنین موردی شد، فوراً بگوید: آمنتُ بالله و بِرُسُله: به الله و پیامبرانش ایمان آوردم..

۳- به الله پناه ببرد و بگوید: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم ،چنانکه در حدیث آمده: از ابوهریره رضی الله عنه آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: «يَأْتِي الشَّيْطَانُ أَحَدَكُمْ فَيَقُولُ: مَنْ خَلَقَ كَذَا، مَنْ خَلَقَ كَذَا، حَتَّى يَقُولَ: مَنْ خَلَقَ رَبَّكَ؟ فَإِذَا بَلَغَهُ فَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ وَلْيَنْتَهِ» بخاری(۳۲۷۶) مسلم (۱۳٤) و (۲۱٤).

یعنی: «بدون تردید، شیطان نزد یکی از شما می آید و می گوید: چه کسی این را آفریده است؟ چه کسی آن را آفریده است؟ تا جایی که می گوید: چه کسی پروردگارت را آفریده است؟ چون کار به این جا رسید، به الله تعالی پناه ببرد و از این افکار باز بیاید .

سبب پانزدهم برای خشوع در نماز: «بررسی چگونگی ادای نماز سلف صالح وحالت آنها در نماز»:

انسان می خواهد نمازش با خشوع زیبا شود ؛ باید بنگرد که سلف صالح چگونه نماز ادا می کردند.

نمونه ی از چگونگی نماز سلف صالح:

♦ ابوبکر بن عیاش می گوید: ابا اسحاق سبیعی را دیدم که گریه می کرد.

گفتم ای ابا اسحاق چه چیزی سبب گریه ات شده؟!

گفـت: نـیرو وتـوانم رفـت، نمـازم ازمـن رفـت، مـن نمیتـوانم ایسـتاده نمـاز بخـوان مگربا(سوره ی)بقره و آل عمران.

(یعنـی: وقتـی ایسـتاده نمـاز میخـوانم فقـط میتـوانم سـوره ای بقـره و آل عمـران را بخوانم و بیشتر از این نمتوانم بخوانم).رواه ابن حبان فی الثقات (۸/۶۷).

♦ محمد بن مبارك میفرمایند:سعید بن زید را میدیدم هنگامی که نماز جماعت را از دست میداد ریشش را میگرفت و گریه میکرد[الحلیة ج ٦ ص ١٢٦].

♦ مسلم بن بشار در مسجد نماز می خواند گوشه ای از مسجد منهدم گردید ؛ مردم از گوشه ای مسجد فرار کردند ولی اصلا مسلم بن بشار ندانست که آیا مسجد منهدم شده یا خیر؟!.

♦ بودند سلف صالح وقتیکه در نماز ایستاد می شدند نمیدانستند که چه کسی آماده ودر پهلوی ایشان به امام اقتدا نموده است.

حسان بن ابی سنان از نماز عید برگشت سپس زنش به او گفت:چند بانوی زیبا دیدی؟ ایشان فرمود: هنگامی که خارج شدم تا برگشتنم جز به انگشت شستم نگاه نکردم.التبصرة از ابن جوزی ص ١٠٦.

♦ امام ابن قیم رحمه الله می فرماید: مشاهده میکردم که وقتی شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله برای (نماز) جمعه خارج می شد، هر آنچه که در خانه از نان وغیره مـی بـود را بـر میداشـت و در راه بـه صـورت پنهـانی صـدقه میـداد.زاد المعـاد (۱/۳۹۵).

♦ امام احمد در شبانه روز سیصد رکعت نماز می گزارد. پس از آنکه زندانی شد و او را مضروب ساختند، نمی توانست بیشتر از یکصد و پنجاه رکعت بگزارد.

♦ کسی می گفت: من احمد بن حنبل را زمانی که پسربچه ای بود می شناختم و او شب ها را با نماز زنده می داشت.

♦ سیدنا عمر رضی الله عنه در غیر اوقات نماز به مساجد سر میزد تا ببیند چه کسی در غیر وقت نماز در مسجد نشسته اند ، سؤال کرد: چرا نشسته اید؟ گفتند: آمده ایم از الله طلب روزی کنیم. عمر عصایش را درآورد وبه آنها زد وگفت: وای برشما! کسی حق ندارد به خاطر طلب روزی در مسجد بنشیند وبگوید: بار الها! به من روزی بده ، زیرا آسمان طلا ونقره نمی بارد.

♦ محمد بن واسع رحمه الله می‌گوید : «مرد بیست سال [در نماز و عبادت] می‌گریست و همسرش که با او زندگی می‌کرد خبردار نمی‌شد!» [صفة الصفوة ۳/ ۱۹۳]

♦ سلف می گفتند: چنین بودیم ، اگر نماز را شروع می کردیم دنیا را نیز با کفش هایمان بیرون می آوردیم.

یعنی که دنیارا نیز مانند کفشها از قلب خود بیرون می آوردیم و غرق تفکر در نماز می شدیم..

آیا ما چنین هستیم ؟...الله این حب و شوق نماز و اخلاص را در دلهایمان قرار بده..

«۳۳» اسباب خشوع برای نماز ....(۳۰)

♦ دزدی به خانه مالک بن دینار رحمه الله وارد شد و هیچ چیزی پیدا نکرد که بدزدد

مالک خطاب به او گفت چیزی از امور دنیا پیدا نکردی آیا نمیخواهی از امور آخرت با نصیب شوی؟

دزد گفت : بله

مالک گفت : وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان

پس آن مرد نماز خواند و سپس به مسجد رفت

از مالک بن دینار رحمه الله سؤال کردند این کیست؟

فرمودند : آمده بود از ما بدزدد که او را دزدیدیم.[سير أعلام النبلاء ٥/٣٦٣].

♦ سعید بن مسیب رحمه الله نماز با جماعت شان تا چهل سال فوت نشده است.[حلیه اولیاء ص٤٧٦].

♦ عبدالله بن عمر یک دفعه نماز عشاء با جماعت ازشان فوت شد کل شب را بیدار ماندند و نماز خواندند.[حلیه اولیاء٢٦٦].

♦ محمد بن مبارك میفرمایند:سعید بن زید را میدیدم هنگامی که نماز جماعت را از دست میداد ریشش را میگرفت و گریه میکرد[الحلية ج ٦ ص ١٢٦].

♦ یکبار نماز جماعت از حاتم رحمه الله فوت شد که بر اثر آن خیلی ناراحت شد، دونفر از دوستانش برای تسلیت پیش او رفتند او گریه میکردمیگفت: اگر پسرم فوت میکرد نصف مردم «بلخ» برای گفتن تسلیت نزدمن می آمدند. علت این

امر جز این نیست که«مصیبت دینی»در نظر مردم از «مصیبت دنیوی» سبک تر است!.

♦ از یکی از سلف جماعتش ترک شد ، چنان گریه میکرد که گویا تمام اهل وعیالش فوت کرده باشد.

سبب شانزدهم برای خشوع در نماز: «شناخت لذت های خشوع در نماز»:

قبل از اینکه میخواهی در نماز خشوع پیدا کنی؟! باید راه های لذت از خشوع را دریابی.

وعن عثمان قال : قال رسول الله ﷺ: " ما من امرئ مسلم تحضره صلاة مكتوبة فيحسن وضوءها وخشوعها وركوعها إلا كانت كفارة لما قبلها من الذنوب ما لم يؤت كبيرة وذلك الدهر كله " . [رواه مسلم].

یعنی:رسول الله ﷺ میفرماید:«نیست هیچ شخصی مسلمانی که حاضر شود به نماز پنج وقت ، که وضوء خویش را کامل بسازد ، ونیز نیک (ودرست) بسازد خشوع ورکوع آنرا ، مگر اینکه می باشد برای آن کفاره تمام گناهان تا آنکه گناه کبیره را انجام نداده باشد ، وهمین طور ادامه دارد در تمام سال» [صحیح مسلم].

سبب هفدهم برای خشوع در نماز: **«خواندن زیاد دعاهای مسنونه در مکان مخصوص نماز به خصوص در سجده»:**

شک نیست که راز ونیاز همراه با الله وطلب از او وپناه خواستن از او ودعاهای زیاد ، از اسباب خشوع در نماز ورسیدن به الله ﷻ می باشد.

رسول الله ﷺ میفرماید:«کسیکه از الله سوال نکند ، الله بالای او غضب می شود» [سنن الترمذی ١/٤٢٦].

از رسول الله ﷺ در مکان های خاص نماز دعاهای خاصی ثابت شده است ، خصوصا در وقت رکوع وبلند شدن از رکوع ودر سجده ودربین سجده ، رسول الله ﷺ میفرماید:«قریب می باشد بنده به الله در سجده ، پس در سجده زیاد دعاها نمایید» [صحیح مسلم(٢١٥)].

بعضی از اذکار داخل نماز:

دعاء بعد از تکبیرة الاحرام و قبل از قرائت سوره فاتحه: به این دعاء، دعاء استفتاح میگویند، و عبارتند از :

- الحمد لله حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه (روایت مسلم)
- الله أكبر كبيراً، والحمد لله كثيراً، وسُبحان الله بكرة وأصيلاً" (روایت مسلم)

- اللهمَّ باعد بينى وبين خطاياى كما باعدت بين المشرق والمغرب، اللهم نقِّنى من خطاياى كما يُنقَّى الثوبُ الأبيضُ من الدنس، اللهم اغسلنى من خطاياى بالثلج والماء والبرد " (روايت بخارى ومسلم).
- اللهمَّ ربَ جبرائيلَ وميكائيلَ وإسرافيلَ ، فاطرَ السموات والأرض، عالمَ الغيب والشهادة ، أنت تحكم بين عبادک فيما كانوا فيه يختلفون .اهدنى لما اختُلِف فيه من الحق بإذنک إنَّک تهدى من تشاء إلى صراط مستقيم" (روايت مسلم) – اين دعاء را پيامبر صلى الله عليه و سلم در نماز قيام الليل ميخواندند .

و اذكار ركوع عبارتند از :

- سُبحان ربى العظيم (روايت مسلم)
- اللهمَّ لک ركعتُ ، وبک آمنتُ ، ولک أسلمتُ ، خشع لک سمعى وبصرى ومخى ، وعظمى وعصبى (روايت مسلم).
- سُبحانک اللهمَّ ربَنا وبحمدک ، اللهمَّ اغفر لى (روايت بخارى ومسلم)
- سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ ربُ الملائكة والروح (روايت مسلم)
- سُبحان ذِى الجبروت والملَكُوت والكبرياء والعظمة (روايت أبو داود)

اذكار بعد از ركوع عبارتند از :

- سمع اللع لمن حمده

- ربنا لک الحمد ملءَ السموات والأرض وملءَ ما شئت من شیء بعد أهلَ الثناءِ والمجد أحقُ ما قال العبد وكُلُنا لک عبد اللهمَّ لا مانع لما أعطيتَ ولامُعطِی لما منعت ولا ینفع ذا الجدِ منک الجدُ " (روایت مسلم)

و اذکار سجود عبارتند از :

- سُبحان ربی الأعلی (روایت مسلم)
- اللهمَّ لک سجدتُ ، وبک آمنتُ ، ولک أسلمتُ ، سجد وجهی للذی خلقَهُ وصوَّرَهُ ، وشقَّ سمعَهُ وبصَرهُ ، تبارک اللهُ أحسنُ الخالقین (روایت مسلم)
- اللهمَّ اغفر لی ذنبی كلَه ، دِقَّهُ وجلَّهُ ، وأولَّهُ وآخرَهُ ،وعلانيتَهُ وسرَّهُ (رواه مسلم)
- سُبْحَانکَ وبحمدِک، لا إلهَ إلاَّ أنْتَ (روایت مسلم)
- اللَّهُمَّ إنِّی أَعُوذُ بِرضَاکَ مِنْ سَخَطِک، وبمُعافاتِکَ مِنْ عُقوبتِک، وَأَعُوذُ بِک مِنْک، لا أُحْصِی ثَنَاءً علیکَ أَنْتَ كما أثنیتَ علی نَفْسِکَ (روایت مسلم)

اذکار بین سجدتین عبارتند از :

- اللهم اغفر لی وارحمنی وعافنی واهدنی وارزقنی " (روایت أبو داود وابن ماجه)
- اللهم اغفر لی، اللهم اغفر لی.(رواه دار القطنی).

نوت: در دعاهای سجده تنها « اللهم اغفر لی، اللهم اغفر لی » سنداً قوی میباشد.

و اذکار تشهد عبارتند از :

- التحيات لله والصلوات والطيبات السلام عليک أيها النبی ورحمة الله وبركاته السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمدا عبده ورسوله (روایت بخاری ومسلم).
- التحيات المباركات الصلوات الطيبات لله السلام عليک أيها النبی ورحمةالله وبركاته السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين أشهد أن لا إله إلاالله وأشهد أن محمدا رسول الله (روایت مسلم).
- اللهم صل على محمد وأزواجه وذريته كما صليت على آل إبراهيم وبارک على محمد وأزواجه وذريته كما باركت على آل إبراهيم إنک حميد مجيد (روایت بخاری ومسلم).
- اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على آل إبراهيم إنک حميد مجيد اللهم بارک على محمد وعلى آل محمد كما باركت على آل إبراهيم إنک حميد مجيد (روایت خاری ومسلم).

البته در مورد اذکار تشهد فقط یک صیغه تشهد و صلوات ابراهیمی را میخواند یعنی تکرار نمیشوند، ولی در رکوع و سجود میتوان اذکار را بارها تکرار کرد .

اما در مورد دعاء و اذکار قبل و بعد از نماز، سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم این بوده است که دعاء را قبل از سلام میخواندند و اذکار را بعد از سلام .

برخی از دعاهای قبل از سلام عبارتند از :

- اللهم اغفر لی ما قدمت وما أخرت وما أسررت وما أعلنت وما أسرفت ومأأنت أعلم به منى أنت المقدم وأنت المؤخر لا إله إلا أنت (روايت مسلم)
- اللهم إنى أعوذ بک من عذاب القبر وأعوذ بک من فتنة المسيح الدجال وأعوذ بک من فتنة المحيا وفتنة الممات اللهم إنى أعوذ بک من المأثم والمغرم .
- اللَّهُمَّ إنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الجُبْنِ والْبُخلِ وَأَعوذُ بِکَ مِنْ أنْ أُرَدَّ إلى أرْذَلَ العُمُرِ وَأعُوذُ بِکَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيا، وأَعوذُ بِکَ مِنْ فِتْنَةِ القَبر (روايت بخارى).

سبب هشدهم برای خشوع درنماز: «خواندن اذکار ودعاهای وارده(مسنون) بعد از نماز»:

شک نیستی که اذکار بعد از نماز تأثیر واقعی خود را در خشوع نماز دارد ، برخی از اذکار مسنونه بعد از نماز را اینجا ذکر خواهیم نمود باذن الله:-

از نماز عبارتند از :

- "استغفر الله " (سه بار) (روایت مسلم)
- " سبحان الله " (۳۳ بار) (روایت مسلم)
- "الحمدلله " (۳۳ بار) (روایت مسلم)
- "الله اکبر " (۳۳ بار) (روایت مسلم)
- "لا إلهَ إلاَّ اللَّه وحْدَه لا شَریک له، لَهُ المُلْکُ وَلَهُ الحمْد، وهُو على کُلِّ شَیءٍ قَدِیر " (۱ بار) (روایت مسلم)
- "اللَّهُـمَّ أَنْـتَ السَّـلام، ومِنـکَ السَّـلام، تبارَکْـتَ یَـاذا الجـلالِ والإکـرام " (روایت مسلم)
- "لا إلهَ إلاَّ اللَّه وحْدَهُ لا شَرِیکَ لَه، لهُ المُلْکُ ولَهُ الحَمْد، وهُوَ عَلى کُلِّ شَیءٍ قَدیر، اللَّهُمَّ لا مانِعَ لما أعْطَیْت، وَلا مُعْطیَ لما مَنَعْت، ولا ینْفَعُ ذا الجَدِّ مِنْکَ الجدُّ " (متفقٌ علیه)
- "لا إلَه إلاَّ اللَّه وَحْدَهُ لا شریکَ له، لهُ الملکُ ولهُ الحَمْد، وهُوَ عَلى کُلِّ شیءٍ قَدیر، لا حوْلَ وَلا قُوَّةَ إلاَّ بِاللَّه، لا إله إلاَّ اللَّه، وَلا نَعْبُدُ إلاَّ إیَّاه، لهُ النعمة، ولَهُ الفضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الحَسن، لا إله إلاَّ اللَّه مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ ولوْ کَرِه الکَافرُون" (روایت مسلم)
- "اللَّهُـمَّ أعِنِّی على ذِکْرِک، وشُکْرِک، وَحُسنِ عِبادتِکَ " (صحیح – روایت أبو داود).

سبب نوزدهم برای خشوع درنماز: «دور کردن آنچه که مشغول می سازد نماز گزار را»:

انس رضی الله می گوید:«بوده پرده ای که در آن نقش شده بود(ویا لباس یکه دارای رنگ بود) برای عائشه رضی الله عنها ، در گوشه ی از خانه اش ، رسول الله ﷺ برای عائشه گفت: دور کن این پرده را ، زیرا که تصاویر این پرده در نماز برای من پیش می شود پس عائشه آنرا دور نمود.[صحیح مسلم۳/۱٦٦۸]»

وهمچنان نماز خواندن در گرمی زیاد وسردی زیاد نیز درست نیست ، ابن قیم می گوید: ادای نماز در گرمی زیاد مانع خشوع وخضوع در نماز می شود[الوابل الصیب(۲۲)].

واقعاً که اسباب وسائل امروزی از خشوع وخضوع در نماز انسان را محروم می سازد ؛ همانند اینترنت وتلویزیون وغیره.

ویکی از اشیایی که مانع خشوع نماز گزار می شود ، نوشتار های داخل مساجد میباشد ، ولوکه در آنها آیات واحادیث هم نوشته شوند درست نیست. وباید نوشته نشوند تا سبب نشود که خشوع ازبین برود.

از شیخ ابن عثیمین پرسیده شد: حکم نوشتن آیات و احادیث بر روی دیوار مساجد چیست؟

ایشان جواب می دادند: این امر باعث ایجاد تشویش بر (نماز) مردم است، نوشتن آیات قرآن بر روی دیوار (حال چه دیوار مساجد باشد یا غیر مساجد) جزو بدعت می باشد و از هیچکدام از صحابه رضی الله عنهم دیده نشده که دیوارهای خود را با آیات قرآن منقوش کرده باشند، از طرفی نوشتن این آیات بر روی دیوارها نوعی اهانت به کلام الله است.

بنابراین نوشتن آیات قرآن بر روی دیوار مساجد یا منازل همگی بدعت هستند که در عهد سلف مرسوم نبوده است.

اما نوشتن احادیث؛ اگر در جهت قبله باشد چون باعث تشویش است و ممکن است برخی از مأمومها هنگام نماز خود بدان نظر کنند و لذا علما آنرا مکروه می دانند. اما در غیر سمت قبله یا در منازل ایرادی ندارد که احادیثی که دارای فوائدی هستند نوشت مانند نوشتن ذکر کفاره ی مجلس «سبحانک اللهم ربنا وبحمدک، أشهد أن لا إله إلا أنت، أستغفرک وأتوب إلیه» چرا که در آن نوعی تذکر وجود دارد. [لقاء الباب المفتوح (۱۹۷ / السؤال رقم ۸].

خلاصه آنکه نوشتن آیات قرآن بر روی دیوار مساجد یا محراب بدعت و مکروه است که علما از آن حذر کرده اند، با این حساب به طریق اولی نوشتن آیات قرآن بر سقف مسجد مکروه خواهد بود و بدعت است.

سبب بیستم برای خشوع در نماز: **«نخواندن نماز در لباس یکه در آن نقشه یـا چیزی نوشته شده باشد یا رنگ ها شده باشد یا تصـاویریکه انسان نماز گزار را مشغول کند»:**

از عائشه رضی الله عنها روایت است که میفرماید:«ایستاد شد رسول الله ﷺ تا نماز ادا کند ، در یک لباس یکه دارای نشانه ها(خط ها)بود پس رسول الله ﷺ طرف آن دید وقتیکه نمازش را تمام نمود ، فرمود: این لباس را ببرید به ابی جهم بن حذیفه. وبرای من بیا.رید لباس"انبجانیه"(غیر لباس خط دار ونشانه دار) ودر روایتی آمده که گفت: من را مشغول ساخت این لباس در نماز» [صحیح مسلم(٥٥٦)].

خلاصـه اینکـه: خوانـدن نمـاز در لبـاس یکـه دارای تصـاویر صـاحب روح باشـد چنانکه امروز(از فوتبالیستان است) ویا لباس یکه در آن نوشته ها باشد حرام میباشد.

سبب بیستم یکم برای خشوع در نماز: **«نخواندن نماز در وقت حاضر بودن طعام ، یا داشتن اشتهای طعام»:**

رسـول الله ﷺ میفرمایـد:«نمـازی (درسـت) نیسـت در وقـت حاضـر بـودن طعام[صحیح مسلم]»

وقتیکه طعام نهاده می شود پیش روی آن ، شروع کند به طعام ، زیرا اشتها وفکرش به طعام میباشد ، وقتیکه به نماز بی ایستد طعام در فکرش میباشد وخشوع از بین میرود ، پس باید اول طعام را بخورد.

رسول الله ﷺ میفرماید:«وقتیکه نان شب نزدیک شد ودرهمین وقت ، وقت نماز هم است ، پس اول خوردن طعام را شروع کنید پیش از اینکه نماز را بخوانید[صحیح مسلم(٥٥٧)]».

سبب بیست دوم برای خشوع درنماز: **«نخواندن نماز در وقتیکه وضو تنگ بوده باشد»**

شکی نیست که کسیکه وضوء آن تنگ بوده باشد نمازش را نمی تواند با خشوع ادا نماید.

وتنگ بودن وضوء اینکه: انسان را بول یا مواد غائط گرفته باشد ، پس در همین وقت نماز را ادا کند.

انسان باید قبل از ادای نماز خود را از بول ومواد غائط خالی کند وسپس در نماز ایستاد شود.

پیامبر ﷺ نهی کرده اند که شخصی درحالی نماز بخواند که تحت فشار ادرار است .«نهی رسول الله ﷺ أن يصلي الرجل وهو حاقن» روایت ابن ماجه (٦١٧)و درصحیح الجامع.(٦٨٣٢)

در چنین حالاتی ضروری است اول قضاء حاجت کند اگرچه نماز جماعت یا چند رکعت فوت شود، زیرا پیامبر ﷺ فرمودند :«إذا أراد أحدكم أن يذهب الخلاء وقامت الصلاة فليبدأ بالخلاء».

یعنی: اگر کسی قضای حاجت داشت و نماز اقامه شد، اول قضای حاجت کند، بعد نماز بخواند. روایت أبو داود (٨٨) و در صحیح الجامع(٢٩٩) .

وحتی اگر در وسط نماز به چنین حالتی دچار شد باید نماز را قطع و قضای حاجت کند و وضو بگیرد و نماز بخواند، زیرا پیامبر ﷺ فرموده‌اند:«لا صلاة بحضرة طعام ولا هو يدافعه الأخبثان».

یعنی: در هنگام آماده بودن غذا و تحت فشار ادرار و مدفوع ، نمازی(درست) نیست.صحیح مسلم(٥٦٠) .

پس زمانیکه میخواهی در نماز ایستاده شوی باید هیچ چیز ترا از خشوع نگذارد چنین حالتهایی، خشوع نماز را از بین می‌برد و حبسِ باد شکم نیز همین حکم را دارد.

سبب بیست سوم برای خشوع در نماز: «زمانیکه برای انسان خواب پیش میشـــود نماز نخواند»:

انس می گوید که رسول الله ﷺ فرمود:«وقتیکه برای یکی از شما در نماز مقدمه ی خواب پیش شد ، پس برود وخواب کند تا بداند در نماز چه می گوید» [صحیح البخاری (٢١٠)].

سبب بیست چهارم برای خشوع در نماز: **«برابر نکردن سنگ ریزه ها درنماز»:**

یکی از اصحاب رسول الله ﷺ میفرماید: که رسول الله ﷺ درمورد مردیکه برابر می نمود در سجده خاک وسنگریزه ها را ، فرمود:«اگر فعل کننده باشی، پس یک بار این فعل را کن» [فتح الباری۳/۷۹].

وعلت نهی رسول الله ﷺ در نماز از برابر کردن سنگ ریزه ها وغیره اینست که خشوع وخضوع در نماز حفظ شود وتا عمل کثیر به میان نیاید.

باید قبل از نماز سجده وجای نماز ولباس آماده گردد نه در نماز .

سبب بیست پنجم برای خشوع در نماز: **«بلند نخواندن قرائت به قرائت دیگر نماز گزار»:**

رسول الله ﷺ میفرماید:«آگاه باشید که شما همرای پروردگار تان راز ونیاز می کنید ، پس یکی دیگر خویش را اذیت نکنید ؛ وهمچنان بلند نکنید یکی تان بالای دیگر تان قرائت خویش را » [سنن ابی داود].

سبب بیست ششم برای خشوع در نماز: **«ادا نکردن نماز پشت امام خواب آلو ویا بی وضوء»:**

رسول الله ﷺ میفرماید:«نخوانید نماز پشت شخص خواب کننده وشخص بی وضوء» [صحیح الجامع(۳۷۵)].

سبب بیست هفتم برای خشوع درنماز: «ترک این طرف وآنطـرف نظـر کـردن درنماز»:

ابوذر می گوید که رسول الله ﷺ فرمود:«همیشه می باشد الله ﷻ روی می آورد در نماز تا انکه بنده اش باشد در نماز والتفات (اینطرف وآنطرف نظر) نکند اما وقتیکه این طرف وآنطرف نظر کرد الله دور می شود» [سنن ابی داود(۹۰۹)].

نظر کردن در نماز دو گونه است:

- نظر کردن همرای قلب به سوی غیر الله.
- نظر کردن همرای چشم.

که هردو صورت در نماز منع شده وانجام دادن هردو صورت در نماز اجر انسان را کم می کند.

از رسول الله ﷺ از این طرف وآنطرف در نماز سؤال کرده شد گفت:«دزدی است که آنرا شیطان دزدی میکند از نماز شخص» [صحیح البخاری].

سبب بیست هشتم برای خشوع درنماز: «بلند نکردن چشم بطرف آسمان»:

در احادیث فراوانی از بلند کردن چشم به طرف آسمان منع کرده شده ائیم ، وحتی وعید وعذاب برای فاعل چنین کاری تعین کرده شده است.

رسول الله ﷺ میفرماید:«وقتیکه یکی از شما نماز می خواند پس چشم های خود را طرف آسمان بلند نکند» [مسند احمد].

ودر حدیث صحیح دیگری آمده است که:«چه حال است برای آن اقوام یکه بلند می کنند چشم های خود را در نماز طرف آسمان» [٤٢٩].

سبب بیست نهم برای خشوع در نماز: **«نه انداختن آب دهن در پیش روی در نماز»:**

انداختن آب دهن در پیش روی در نماز منافی خشوع در نماز وخلاف أدب می باشد وعمل شنیع وبد است.

رسول الله ﷺ میفرماید:«وقتیکه یکی از شما نماز می خواند پس آب دهن خویش را پیش روی خود نیندازد ، زیرا پیش روی آن الله ﷻ می باشد» [صحیح البخاری(٣٩٧)].

سبب سی ام برای خشوع در نماز: **«مقابله با فاجه در نماز(عدم فاجه درنماز)»:**

رسول الله ﷺ میفرماید:«وقتیکه یکی از شما در نماز فاجه(خمیازه) می کشد پس بند کند دهن خویش را تا اندازیکه توان دارد زیرا از آنجا شیطان داخل میشود» [مسلم٤/٢٢٩٣].

ونیز رسول اللّٰه ﷺ میفرماید:خمیازه از شیطان است پس هرگاه خمیازه به سراغ یکی از شما آمد تا می‌تواند جلویش را بگیرد.[صحیح بخاری۳۲۸۹].

ونیز پیامبر ﷺ میفرماید: هرگاه یکی از شما خمیازه کشید تا جای که میتواند، دهانش را باز نکند و هاه هاه نگوید. چون به این کار شیطان را میخنداند». سنن ترمذی (۲۷٤۷).

نبي اکرم ﷺ میفرماید: «الله ، عطسه را مي‌پسندد ولي خمیازه را نمي پسندد. پس اگر مسلماني، عطسه زد و الحمدلله گفت، بر هرمسلماني که آنرا مي شنود، لازم است که در جوابش، یرحمك الله بگوید. اما خمیازه ازطرف شیطان است و تا مي‌توانید آن را دفع کنید. زیرا هنگامي که شخص (دهانش را باز مي کند و) ها مي گوید، شیطان به او مي‌خندد».[صحیح البخاری].

سبب سی ویکم برای خشوع درنماز: «نگرفتن دستان در بغل در نماز»:

ابوهریره می گوید:«که رسول الله ﷺ منع کرده است از گرفتن دستان در بغل در نماز» [ابوداود(۹٤۷)].

سبب سی ودوم برای خشوع درنماز: «آویزان نکردن لباس ، قدیفه ویا دستمال به زمین»:

رسول الله ﷺ منع کرده است از آویزان کردن لباس در زمین ، وهمچنان منع کرده است رسول الله ﷺ از پوشانیدن دهن در نماز[صحیح الجامع(٨٣٨٦)].

ملاعلی قاری می گوید:«آویزان کردن لباس مطلقاً منع شده زیرا از عادت کسانی هستند که کبر می کنند ، ونیز این عمل یهود نیز بود».

سبب سی وسوم برای خشوع درنماز: «ترک مشابهت با حیوانات»:

الله سبحانه وتعالی برای بنی آدم کرامت وعزت داده وانسان را در بهترین وزیبا ترین قامت خلق نموده است از عیب اینست که شخص خود را با حیوانات مشابه نماید.

مسلمانان از مشابهت با حیوانات منع شده اند واز حرکات آنها در نماز که منافی خشوع بوده نیز منع شده اییم.

رسول الله ﷺ از سه چه در نماز منع نموده است:«از نماز نخواندن مثل نول زدن زاغ ، وهموار کردن نماز مثل هموار کردن حیوانات درنده ، وجای گرفتن یک نفر در جای خاص مثل جای گرفتن شتر» [مسنداحمد].

ختم ترجمه واختصاربإذن الله|زمستان ۱۳۳۹۷

خواهش ما از شما عزیزان:

برای شما معلوم است که مطبعه ها وچاپ خانه های کشور متأسفانه کتب ورساله های همچون:«داستان های سکسی» ، «داستان های ملانصرالدین» ، «یک دسته گل» ، «فالنامه وتعویذات» ، «داستان های عاشقانه» ، «دعاهای بدعی امثال گنج العرش» «وغیره» را رایگان به چاپ می رسانند.

وقتیکه ما تقاضای چاپ این کتاب را می کنیم ، بهانه های مختلفی می آورند ، وبالاخره چاپ نمی کنند.

پس جوانان مخلص ودین دوست! بخواهیم یا نخواهیم روزی از این دنیاء فانی خواهیم رفت ، ودر قبر وآخرت یکی از راه های نجات از عذاب پروردگار ، صدقه های جاریه است چون رسول الله ﷺ میفرماید:« چون انسان بمیرد، عمل او قطع می شود، جز در سه چیز: ۱- صدقه ای که جاری باشد ، ۲- عملی که از آن سود برند ، ۳- فرزند صالحی که برای او دعا کند»(صحیح مسلم).

سلف صالح می گفتند که دنانیر ودراهم از بین میرود ولیکن اشاعه ونشر کتاب تا قیام قیامت باقی خواهد ماند...پس این کتاب را وسائر کتب ورساله های مفید دیگری را چاپ کنید ، ودر دسترس جوانان قرار دهید.

دیگران بالای گسترش باطل خویش ملیون ها پول خرچ میکنند ، اما من وتو حاضر نیستیم که رساله وکتاب چندصفحه ای را بخاطر رضای الله به چاپ برسانیم؟!.

